

اجرای نتایج روش‌های برخط جایگزین حل اختلاف

مطالعه‌ای تحلیلی در راهکارهای اجرای خودکار

رضا معبودی نیشابوری،^۱ سید علیرضا رضائی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

یکی از مهم‌ترین تحولات حقوق حل و فصل اختلافات، ظهور روش‌های برخط بوده است. درباره روش‌های برخط حل اختلاف، با توجه به اوصاف خاص آن‌ها به علت وقوع در فضای مجازی، ابهامات و مسائل حقوقی مطرح است. یکی از چالش‌های موجود درباره روش‌های مذکور، نحوه اجرای نتیجه آن‌ها است، زیرا روش‌های عادی یا سنتی اجرای اسناد نهایی حل اختلاف در این زمینه راهگشا نیستند. با توجه به اهمیت فراوان اجرای اسناد نهایی در اعتبار و مقبولیت هریک از روش‌های حل اختلاف، دکتترین حقوقی و فعالان عرصه تجارت الکترونیکی، به منظور رفع خلأ مذکور، راهکارهایی را پیش‌بینی و اعمال کرده‌اند که نتیجه روش‌های برخط حل اختلاف بدون نیاز به مراجعه به مراجع عمومی و دادگاه‌ها و به صورت خودکار اجرا شود. با توجه به مراتب فوق، در پژوهش حاضر، راهکارهای اجرای خودکار نتایج برخط حل اختلاف در مباحث ذیل بررسی شده است: «راهکارهای اجرای پولی»، «راهکارهای اجرای نتیجه حل اختلاف نام دامنه» و «راهکارهای اجرای خودکار بر اساس فناوری زنجیره بلوکی». در مجموع مقاله حاضر به این نتیجه نائل آمده است که حمایت و ترویج روش‌های برخط حل اختلاف و روش‌های

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده

مسئول)؛ maboudi@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق علوم و سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛

alirezazae4771@mail.um.ac.ir

اجرای خودکار نتایج طرق مذکور، مهم‌ترین و اساسی‌ترین گام در جهت کاهش حجم کاری محاکم و سایر مراجع قانونی است، زیرا با توسعه روش‌های مذکور، لزوم مراجعه به دادگستری و کلیه دستگاه‌های دولتی، انتظامی و عمومی برای امور قضایی، اجرایی و امثال آن‌ها در مرحله رسیدگی و اجرا منتفی می‌شود. درعین حال، چنین امری بدون حمایت مقنن و تصویب قوانین متناظر میسر نیست و از این حیث به مقنن ایرانی پیشنهاد می‌شود قواعد یکپارچه و جامعی را در این حوزه تنظیم و تصویب کند.

واژگان کلیدی: اجرای مستقیم نتیجه دعوا، قراردادهای هوشمند، قواعد حل اختلاف نام دامنه، حساب امانی، برگشت هزینه

مقدمه

هم راستا با توسعه تجارت الکترونیکی و کاهش روزافزون ارتباطات سنتی اشخاص، حل و فصل اختلافات در مراودات فضای مجازی و معاملات تجارت الکترونیکی متحول شده است. از این حیث، روش‌های برخط حل اختلاف در سالیان اخیر توسعه یافته و درعین حال، اجرای نتیجه فرایند برخط حل اختلاف را می‌توان یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در این زمینه نام برد. بدیهی است، یکی از معیارهای اعتبار انواع روش‌های حل اختلاف تضمین اجرای نتیجه آن‌ها است و فقدان آیین اجرایی مؤثر و متناسب باعث کاهش مقبولیت روش حل اختلاف مربوطه می‌شود و در همین راستا، اجرای کارآمد نتیجه روش‌های حل اختلاف برخط تأثیر مستقیمی در اعتبار و مقبولیت روش‌های مذکور خواهد داشت.

یکی از ویژگی‌های خاص روش‌های حل اختلاف برخط، نحوه اجرای نتایج آن‌ها است. در واقع با توجه به مقتضیات ویژه‌ای که حل اختلاف در فضای برخط دارد، استفاده از روش‌های سنتی و مرسوم اجرای اسناد حل اختلاف مبنی بر دخالت مراجع عمومی و قضایی در این راستا راهگشا نیست. بدین منظور، با توجه به تأثیر مستقیم اجرای سند حل اختلاف در افزایش اعتبار روش فصل دعوی، سیاست‌گذاران و حقوق‌دانان و تجار راه‌های نوینی را ابداع کرده‌اند که حل و فصل اختلافات برخط از حیث اجرایی در وضعیت مطلوبی قرار گیرد. مهم‌ترین روش اجرایی پیشنهادی آن است که با توافق قبلی طرفین دعوا،

نتیجه حل اختلاف برخط به صورت خودکار و بدون نیاز به دخالت مراجع قضایی نسبت به اموال و دارایی‌های طرفین اجرا شود. با اتخاذ راهکار مذکور، درصد فراوانی از اسناد حل اختلاف برخط اجرا می‌شود و مشکل عدم امکان اجرای اسناد مذکور با روش‌های سنتی مرتفع خواهد شد. در مقاله حاضر راهکارهای اجرای خودکار نتایج حل اختلاف برخط و موضع کنونی حقوق ایران در این خصوص مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

۱. راهکارهای اجرای خودکار نتایج حل اختلاف برخط

به طور سنتی، از طریق مراجعه به دادگاه‌ها و مراجع عمومی و با اجبار محکوم‌علیه، مفاد اسناد حل اختلاف^۱ اجرا می‌شود، اما در مورد اسناد نهایی حل اختلاف برخط^۲، به دلیل اوصاف خاص روش‌های مذکور، چنین اقدامی متعارف و مقرون به صرفه نیست و باید راهکارهای دیگری برای اجرای این اسناد اتخاذ شود؛ بدین توضیح که تحقق استناداردهای پیش‌بینی شده درخصوص طرق سنتی حل اختلاف مثل کتبی بودن سند نهایی حل اختلاف، در بسیاری از موارد در روش‌های برخط حل اختلاف امکان‌پذیر نیست. تأثیر وضعیت مذکور در نحوه وضع قواعد و مقررات بین‌المللی مشهود است. برای مثال، کنوانسیون‌های نیویورک^۳ و سنگاپور^۴ (مهم‌ترین اسناد بین‌المللی درخصوص حمایت اجرایی از طرق جایگزین^۵ حل اختلاف) حمایت کاملی از روش‌های برخط فصل دعوا نکرده‌اند. علاوه بر این، حتی اگر قوانین و مقررات موجود دارای سطح حمایتی

۱. علت استفاده از عبارت «اسناد» به جای «احکام» آن است که نتیجه فرایند حل اختلاف لزوماً منتج به صدور رأی یا حکم نمی‌شود، برای مثال در میانجی‌گری، طرفین از طریق صدور سازش‌نامه به اختلاف خود خاتمه می‌دهند.

۲. علت استفاده از عبارت اسناد «نهایی» حل اختلاف در مقاله حاضر آن است که درخصوص فصل دعوی دو نوع سند تنظیم می‌شود: ۱- توافق‌نامه حل اختلاف: گاهی سندی مبنی بر توافق طرفین به منظور حل و فصل دعوا با استفاده از روشی خاص توسط ایشان منعقد می‌شود و ۲- سند حل اختلاف: سندی که به وسیله آن خصوص دعوی ایجاد شده تصمیم‌گیری می‌شود مثل رأی داوری یا سازش‌نامه. موضوع مقاله حاضر بررسی راهکارهای اجرای اسناد نوع دوم به عنوان فیصله‌دهنده دعوا بوده و به همین به منظور از عبارت اسناد «نهایی» حل اختلاف استفاده می‌شود تا مشخص گردد که نوع اول اسناد حل اختلاف مدنظر نویسندگان نیست.

۳. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York) 1958.

۴. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2019.

۵. منظور از روش‌های جایگزین حل اختلاف، راهکارهایی است که به جای دادرسی یا مراجعه به دادگاه، به منظور فصل دعوی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کامل و لازم برای اجرایی شدن نتایج طرق برخط حل اختلاف باشند، باز هم وضعیت مذکور راهگشا نیست، زیرا روش‌های اجرای سنتی اسناد نهایی حل اختلاف مستلزم مراجعه به دادگاه‌ها و مراجع عمومی است، درحالی‌که در اختلافات برخط، به علت بعد مسافت طرفین و شرایط خاص دعاوی، چنین امکانی وجود ندارد. برای مثال، یکی از موضوعات اصلی روش‌های برخط حل اختلاف، دعاوی ایجادشده میان مصرف‌کننده و فروشنده در خریدهای اینترنتی است. در دعاوی مذکور، به علت ارزش پایین موضوع دعا و تعداد فراوان دعاوی، مراجعه به دادگاه منطقی نیست و بسیار بعید است که مصرف‌کننده برای اجرای سند نهایی صادره درخصوص دعاوی خود با فروشنده به دادگاه مراجعه کند.

با توجه به مراتب مذکور، به منظور اجرای نتیجه روش‌های برخط حل اختلاف، باید از روش‌های نوین و متناسب با اوصاف طرق مذکور استفاده کرد. در همین راستا، در عرصه تجارت الکترونیکی روش‌هایی ابداع شده است که برخلاف طرق عمومی یا اجباری، مقامات عمومی مثل دادگاه دستور اجرای اسناد نهایی فصل دعا را صادر نمی‌کنند بلکه بر اساس موافقت‌نامه قبلی طرفین، نتیجه طرق برخط حل اختلاف به صورت خودکار و از طریق کنترل مالی و فنی بر دارایی‌های طرفین دعا اجرا می‌شود (UNCITRAL, 2013, p.2). در روش اجرای خودکار یا مستقیم، طرفین توافق می‌کنند که نتیجه دعا به صورت خودکار درباره دارایی‌های آن‌ها اجرا شود. در این صورت، کنترل بر منابع اقتصادی و مالی از سوی طرفین دعا به مقام حل اختلاف یا شخص ثالثی داده می‌شود که وی به صورت خودکار و بدون نیاز به دستور دادگاه نتیجه دعا را اجرا کند. از این رو ارائه‌دهندگان خدمات حل اختلاف برخط دو راهکار دارند: ۱- نهادهای حل اختلاف برخط با شخص ثالثی که کنترل دارایی‌های طرفین را در اختیار دارد، برای اجرای نتیجه دعا همکاری کنند. چنین راهکاری توسط «شرکت اینترنتی تخصیص نام‌ها و شماره‌ها»^۱ در قواعد یکنواخت حل اختلاف درباره نام دامنه^۲ استفاده و نتیجه دعا توسط ثبت‌نام‌کننده نام دامنه اجرا می‌شود. در این صورت نهاد حل اختلاف، با توجه به

۱. The Internet Corporation for Assigned Names and Numbers (ICANN)

۲. Uniform Domain-Name Dispute-Resolution Policy (UDRP)

نتیجه دعوا، می‌تواند به ثبت‌کننده نام دامنه دستور دهد که نام دامنه را معلق یا به دیگری منتقل کند؛ ۲- نهاد حل اختلاف برخط می‌تواند مستقلاً فرایند اجرایی خودکار ایجاد کند که مرسوم‌ترین راهکارهای موجود در این زمینه، استفاده از سیستم پرداخت امانی یا ایجاد سیستم تضمینی در بازار مربوطه است. برای مثال، شرکت ای‌بی (eBay)، مالک پی‌پال (PayPal)، واسطه پرداخت است و زمانی که ای‌بی ارائه‌دهنده خدمات حل اختلاف برخط باشد می‌تواند به پی‌پال دستور دهد که نتیجه دعوا را اجرا کند.

باید توجه داشت که روش‌های اجرای خودکار نتیجه‌ای نهایی ندارد و همچنان برای طرفین، امکان مراجعه به دادگاه برای اعتراض به نتیجه دعوا وجود دارد. البته با توجه به اوصاف خاص دعاوی برخط مثل تعداد زیاد و ارزش مالی اندک آن‌ها، در اکثر موارد، طرفین تمایلی به اعتراض نشان نمی‌دهند.

در ادامه، روش‌های اصلی موجود برای اجرای خودکار نتیجه طرق برخط فصل دعاوی بررسی می‌شود.

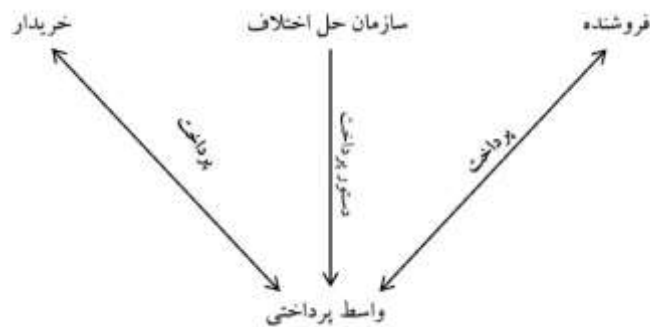
۱-۱. راهکارهای اجرای پولی

ساختار اجرای پولی به صورت گسترده‌ای توسط فعالان عرصه تجارت الکترونیکی استفاده می‌شود. به صورت کلی در تجارت برخط، فضایی مجازی برای خریدار و فروشنده به منظور ملاقات و خرید و فروش ایجاد شده و ارائه‌دهنده خدمات نیز واسطی است که معاملات بین اشخاص مذکور را تسهیل می‌کند. یکی از مهم‌ترین اقدامات زیرساخت‌های تجارت برخط^۱ ایجاد ساختار حل اختلاف و اجرای خودکار آن است تا نتایج دعاوی به صورت مؤثر و حتی در صورت عدم تمایل طرفین اجرا شود. این طریقه اجرا ساختاری داخلی در بازاری خاص است اما به صورت کلی برای اجرای نتایج طرق برخط حل اختلاف نیز استفاده می‌شود و سازمان‌های حل اختلاف اینترنتی می‌توانند واسط‌های پرداختی را برای اجرای نتایج حل اختلاف برخط ایجاد کنند (Zheng, 2020, p. 316).

در ساختار اجرای پولی، واسط پرداختی به صورت هم‌زمان حق تصمیم‌گیری درباره دعوا و کنترل وجوه قراردادی را دارد. در برخی طرق دیگر، واسط فقط کنترل منابع مالی

۱. Online Trading Platform

را در اختیار دارد و تصمیم‌گیری درباره دعوا توسط نهادی ثالث صورت می‌گیرد (UNCITRAL, 2013, p. 8).



نمودار ۱: ساختار اجرای پولی (Zheng, 2020, p. 316)

انواع ساختارهای پولی مورد استفاده برای اجرای نتیجه طرق حل اختلاف برخط به شرح ذیل بررسی می‌شود:

۱-۱-۱. راهکار برگشت هزینه

دارنده کارت اعتباری که از این طریق مبالغی را برای کالا و خدمات پرداخت کرده ممکن است نسبت به بخشی یا تمام معامله انجام شده، به دلایلی مثل عدم تحویل یا عدم تطابق کالا و خدمت با سفارش، اعتراضاتی داشته باشد. در این صورت دعوا یا اختلافی میان فروشنده و خریدار شکل می‌گیرد و در طرح بازگشت هزینه^۱ بانک صادرکننده کارت اعتباری، با همکاری بانک دریافت‌کننده وجوه (که فروشنده در آن حساب داشته است)، نتیجه حل اختلاف برخط را به صورت خودکار از طریق استرداد مبالغ به حساب دارنده کارت یا عدم انجام اقدام مذکور با توجه دعوی متقابل^۲ فروشنده اجرا می‌کنند. بدین توضیح که شبکه کارت اعتباری (یا واسط پرداختی) مثل مسترکارت و ویزاکارت،^۳ به‌عنوان ثالث بی‌طرف، با اخذ مستندات از طرفین درباره دعوا تصمیم می‌گیرد و تصمیم

۱. Chargeback Scheme

۲. Representment

۳. MasterCard & VisaCard

وی نسبت به دارنده کارت و فروشنده حسب مقررات موجود^۱ قطعی است و به صورت خودکار توسط بانک صادرکننده کارت و بانک دریافت‌کننده وجوه اجرا می‌شود (Zheng, 2020, p. 317-318; UNCITRAL, 2013, p. 9). اصولاً، به صرف اعتراض خریدار، مبالغ به حساب وی مسترد می‌شود اما فروشنده نیز حق اقامه دعوی متقابل نزد همان مرجع و استرداد مجدد وجه را دارد ولی برخلاف خریدار، بار اثبات دعوا بر عهده فروشنده است و وی باید مستندات اثبات‌کننده ادعای خود را ارائه نماید، زیرا اصل بر صحت ادعاهای خریدار است. همچنین باید توجه کرد که هر انتقال وجه هزینه‌هایی را تحمیل می‌کند و به همین علت، فروشندگان از این حق در اکثر موارد استفاده نمی‌کنند. در چنین وضعیتی، در صورت اقامه دعوا توسط خریدار و درخواست بازگشت هزینه توسط وی، فروشنده باید هزینه‌های اقدام مذکور را بپردازد و در صورت طرح دعوی متعدد از سوی خریداران، بار مالی منفی زیادی برای فروشنده ایجاد می‌شود (UNCITRAL, 2013, p. 27). Hanriot, 2015, p. 19; Cortés, 2015, p. 27). طرح بازگشت هزینه برخلاف عرف معاملات الکترونیکی است، زیرا در این گونه معاملات، فروشنده غالباً ریسک را به خریدار منتقل می‌کند و تمامی وجه کالا را قبل از تحویل آن دریافت می‌کند (Hill, 2008, p. 374). رایگان بودن، سرعت زیاد و قطعیت برگشت پول، مهم‌ترین مزیت‌های این طرح برای خریداران است و به گونه‌ای ریسک را متوجه فروشنده می‌کند و تعادلی را بین خریدار و فروشنده ایجاد می‌نماید (Cortes, 2007, p. 12).

علاوه بر این، در صورت طرح دعوی متعدد، بازگشت هزینه درخصوص یک فروشنده (معمولاً بیش از یک یا دو درصد کل فروش)، حساب فروشنده توسط بانک دریافت‌کننده وجوه مسدود می‌شود، فروشنده جزو فهرست سیاه قرار می‌گیرد و امکان پرداخت وجه محصولات وی از طریق کارت‌های اعتباری منتفی می‌شود.

بنابراین، همان‌طور که مشخص است، فرایند برگشت هزینه روش حل اختلافی است که نتیجه دعوا به صورت خودکار اجرا می‌شود و از این ساختار می‌توان در روش‌های حل اختلاف برخط در صورت همکاری واسط پرداخت و نهاد حل اختلاف برخط

۱. MasterCard Chargeback Guide and Visa Chargeback Guidelines for Visa Merchants.

استفاده کرد. در ایالات متحده آمریکا، وفق بند ۱۵ ماده ۱۶۶۶ قانون ایالات متحده آمریکا^۱ مصوب ۲۰۱۰، استفاده از طرح بازگشت هزینه در دعاوی مصرف کننده الزامی است. در اروپا با این که چنین مقرراتی پیش بینی نشده اما تأکید نویسندگان و صاحب نظران (Perritt, 2000, p. 692-693; Duca, et al., 2012, p 71) مبنی بر اتخاذ رویه ای مشابه، بیانگر مؤثر بودن طرح بازگشت هزینه در اجرای نتایج دعاوی برخط است.

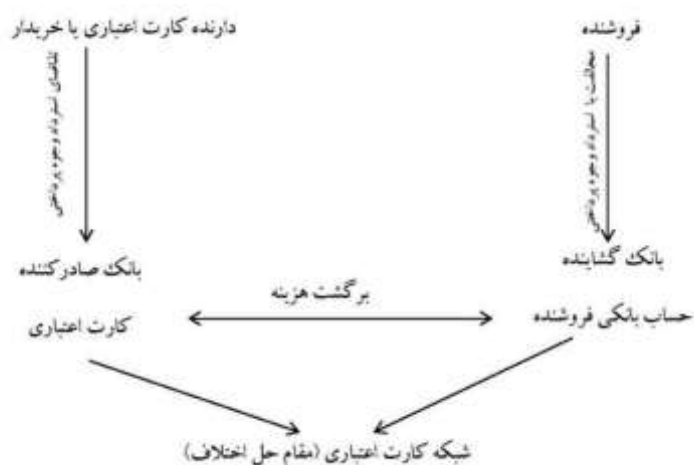
طرح بازگشت هزینه مشکلات و محدودیت هایی دارد: اولاً این روش فقط در زمانی کاربردی است که طرفین دعوا وجوه را به واسط منتقل کرده اند، همچنین صرفاً به دعاوی خرید و فروش از طریق کارت های اعتباری مربوط می شود (UNCITRAL, 2013, p. 9)؛ دوم این که اشخاص زیادی در فرایند بازگشت هزینه دخیل اند، مثل دارنده کارت، بانک صادرکننده، بانک دریافت کننده و فروشنده؛ سوم این که فرایند بازگشت هزینه نسبتاً طولانی است و بین شش هفته تا شش ماه طول می کشد؛ چهارم این که این روش پرهزینه است و برای مثال در ویزاکارت و مسترکارت حدوداً هزینه ای بین پنجاه تا هزار دلار در هر دعوا به همراه دارد. بدین توضیح که در صورت استفاده خریدار از این طرح، هزینه را باید فروشنده پرداخت کند و در مقابل، خریدار نیز در صورت رد شدن دعوی خود باید هزینه های مذکور را بپردازد (UNCITRAL, 2013, p. 9).

مهم ترین ایراد طرح بازگشت هزینه، دخالت بازیگران متعدد بانکی و مالی علاوه بر مرجع حل اختلاف است که افزون بر پیچیده کردن اضلاع فرایند حل اختلاف، مستلزم هماهنگی های متعدد بین اشخاص حقیقی و حقوقی مختلف است. به همین لحاظ، طرح بازگشت هزینه زمان بیشتری نیاز دارد زیرا استرداد وجوه نیازمند مداخلات بانک ها و مؤسسات مالی متعدد و طبعاً زمان بر بوده و دارای چندین مرحله است. بدین توضیح که ابتدا خریدار می تواند نزد یکی از بانک های طرف قرارداد بازگشت هزینه را از حساب فروشنده درخواست کند؛ فروشنده نیز، با توجه به مدارکی که دارد، می تواند بازگشت هزینه ها را از حساب خریدار نزد بانک دیگر تقاضا کند. همچنین ریسک و هزینه طرح بازگشت هزینه بیشتر از طرح دیگر است، زیرا در دو طرح دیگر هزینه اضافی بابت

^۱ United States Code

قانون مذکور شامل قواعدی عمومی و دائمی است که به ۵۳ عنوان تقسیم شده و توسط دفتر شورای بازرگاری قانون مجلس نمایندگان ایالات متحده منتشر می شود.

جریمه به فروشنده تحمیل نمی‌شود اما در طرح بازگشت هزینه، اگر فروشنده نتواند ادعای خود را اثبات کند، جریمه‌ای برای او در نظر گرفته می‌شود. در این صورت اگر دعاوی بازگشت هزینه زیادی بر علیه فروشنده مطرح شود، ریسک عملیاتی وی افزایش می‌یابد و ممکن است امکان استفاده وی از کارت‌های اعتباری منتفی شود (Zheng, 2020, p. 323-324; UNCITRAL, 2013, p. 9).



نمودار ۲: راهکار برگشت هزینه (Zheng, 2020, p. 317)

۱-۱-۲. راهکار تضمین معامله

در سال‌های اخیر، بازیگران بازار تجارت الکترونیکی (همانند واسطه‌های بازاری یا پرداختی) طرح تضمین معامله^۱ را اجرا کردند که در موارد خاص، امکان جبران سریع خسارت مالی را فراهم می‌کند. طرح‌هایی در این زمینه از سوی سازمان‌های مختلف^۲ ارائه شده است اما برای توضیح از قواعد پی‌پال با عنوان طرح حفاظت از خریدار^۳ و طرح حفاظت از فروشنده^۴ استفاده می‌کنیم. وفق بند ۱ ماده ۱۳ توافق‌نامه خدمات پی‌پال

۱. Transaction Guarantee Scheme

۲. eBay Moneyback Guarantee, Amazon, AtoZ Guarantee.

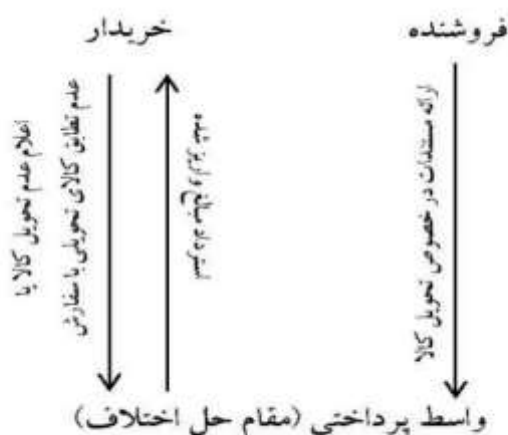
۳. PayPal Buyer Protection Policy.

۴. PayPal Seller Protection Policy.

با کاربر^۱ در طرح حفاظت از خریدار، اگر کالای خریداری شده به خریدار تحویل نشود یا کالای تحویلی مطابق سفارش نباشد، مبالغ واریز شده به حساب فروشنده به خریدار مسترد می شود. در مقابل، وفق بند ۶ ماده ۱۱ توافق نامه خدمات پی پال با کاربر، در طرح حفاظت از فروشنده، در صورت ارائه مستندات ارسال کالا از سوی فروشنده، حمایت های مقتضی از وی در خصوص ادعای خریدار مبنی بر عدم تحویل کالا یا پرداخت های ناموفق به عمل می آید. این طرح در فرضی که خریدار مدعی عدم تطابق کالا با سفارش می شود اعمال نخواهد شد و در صورت طرح چنین ادعایی توسط خریدار، نه تنها اثبات ارسال کالا بلکه هیچ دلیل دیگری نمی تواند فروشنده را از حمایت این طرح برخوردار کند. وفق مقررات مذکور، در این طرح پی پال صلاحیت کاملی دارد که درباره اختلاف ایجاد شده تصمیمی نهایی اتخاذ و نتیجه آن را اجرا کند (Paypal, 2021).

مشکلات این طرح آن است که اولاً دعاوی بسیار محدودی (تحویل کالا یا پرداخت های ناموفق در طرح حفاظت از فروشنده و عدم تحویل کالا یا عدم تطابق کالا با سفارش در طرح حفاظت از خریدار) شامل این طرح می شوند و دعاوی مربوط به کیفیت و خدمات پس از فروش مشمول طرح مذکور نیست؛ ثانیاً حمایت از خریدار ممکن است موجب سوءاستفاده وی از این طرح شود. برای مثال، در برخی موارد خریداران متقلب با سوءاستفاده از این طرح، پس از استرداد وجوه به دلیل ادعای عدم تطابق کالا با سفارش، کالاهای جعلی را به ای بی مسترد کرده بودند (Duca et al., 2015, p. 242; Duca et al., 2014, p. 215).

۱. User Agreement for PayPal Service.



نمودار ۳: راهکار تضمین معامله (Zheng, 2020, p. 320)

۳-۱-۱. راهکار حساب امانی

طرح حساب امانی،^۱ در کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا، در خصوص معاملات املاک و قراردادهای وام استفاده می‌شود. در این طرح، زمانی که طرفین در حال اجرای قراردادند، شخص ثالثی (نماینده سپرده)، دارایی و وجوه را از جانب طرفین دعوا حفظ می‌کند تا زمانی که تعهدات قراردادی طرفین کاملاً انجام شود (Kendall, 1964, p.289-305). چنین ساختاری در دعاوی غیربرخپ، تحت عنوان صندوق‌های قضاوت،^۲ توسط کمیسیون جبران خسارت سازمان ملل متحد^۳ و برنامه جبران کار اجباری آلمان^۴ استفاده شده است (Schultz, 2002, p. 9).

این طرح در معاملات تجارت الکترونیکی نیز استفاده می‌شود و خریدار مبالغ را به شخص ثالث پرداخت می‌کند و پس از گذشت زمان مشخص و عدم دریافت شکایت یا در صورت تأیید دریافت کالاها مطابق با سفارش، وجوه به فروشنده پرداخت می‌شود؛ اما در

۱. Escrow Account Scheme

۲. Judgment Funds

۳. United Nations Compensation Commission

۴. German Forced Labor Compensation Program

صورت ایجاد اختلاف، ثالث وجوه را تا تعیین نتیجه دعوا حفظ می کند (UNCITRAL, 2013, p. 10). استفاده از این طرح در برخی موارد بسیار موفق بوده است. برای مثال، مدیر حل و فصل اختلافات برخط پی پال^۱ عنوان کرد که با استفاده از این طرح، ۵۰ درصد از دعاوی میان خریداران و فروشندگان کاهش یافته و همچنین خسارات مالی فروشندگان در طرح بازگشت هزینه ۲۰ درصد کمتر شده است (Hanriot, 2015, p. 18).

به علت فقدان امکان اجرای طرح بازگشت هزینه در برخی کشورها مثل چین، واسط پرداختی برای ایجاد امنیت در معاملات بازار مربوطه می تواند از طرح حساب امانی استفاده کند. برای مثال، علی پی^۲ (واسط پرداخت چینی) همانند نماینده در رابطه بین خریدار و فروشنده عمل می کند. بدین صورت که در صورت انعقاد معامله، خریدار مبلغ را به علی پی پرداخت می کند و زمانی که مبلغ دریافت شد، علی پی به فروشنده اعلام می کند که کالا را برای خریدار ارسال کند. زمانی که خریدار کالا را دریافت و قبولی تحویل آن را اعلام کرد، علی پی مبلغ قرارداد را به فروشنده پرداخت می کند. در صورت بروز اختلاف میان خریدار و فروشنده، علی پی به عنوان ثالث بی طرف، با توجه به قرارداد موجود و قواعد خود،^۳ به اختلاف رسیدگی می کند و مبلغ پرداختی توسط خریدار موقتاً تا زمان تعیین نتیجه دعوا (در رسیدگی علی پی به دعوا یا سایر طرق حل اختلاف انتخابی توسط طرفین)، توسط علی پی نگاه داشته می شود (Zheng, 2020, p.320-321). در روش های برخط فصل دعاوی، ارائه دهنده خدمات حل اختلاف برخط می تواند برای اجرای نتیجه دعوا، با یک سازمان مالی جهت ایجاد حساب امانی همکاری کند. پی پال از چنین راهکاری استفاده می کند؛ بدین صورت که نهاد ثالثی وجوه را از خریدار دریافت و تا زمان انجام تعهدات فروشنده آن را حفظ می کند.

در این طرح، درخصوص امنیت و مدیریت وجوه، نگرانی هایی وجود دارد زیرا علی پی کنترل پرداخت را برای مدت زیادی (از زمان پرداخت وجوه تا زمان اعلام قبولی خریدار یا زمان اعلام نتیجه حل اختلاف) در اختیار دارد. در سال ۲۰۱۵، وفق گزارش

۱. Colin Rule.

۲. Alipay

۳. General Terms of Alipay Transaction, Alipay Dispute Resolution Rules and Alipay Service Agreements.

سازمان پرداخت و تسویه حساب چین،^۱ پرداخت‌های برخط توسط اشخاص ثالث حدود ۶/۶۸ میلیارد یورو بوده است. این در حالی است که واسطه‌های پرداخت مثل علی‌پی، با وجود ارائه خدمات مالی، بانک محسوب نمی‌شوند و نظارت کافی بر آن‌ها صورت نمی‌گیرد. از همین رو در کشور چین مقرراتی^۲ برای نظارت مالی بر این واسطه‌های پرداختی از جمله علی‌پی مصوب شد که وفق این مقررات، واسطه‌های پرداختی باید مجوز لازم را دریافت کنند و گزارش‌های مالی منظم ارائه دهند و همچنین مؤسسات مذکور باید تمامی مبالغ اضافی را در یک حساب بانکی سپرده کنند. با این‌که اصولاً باید سود متعلق به خریدار باشد، در ماده ۹ قرارداد خدماتی علی‌پی عنوان شده که سود مبالغ امانی متعلق به علی‌پی است. به نظر می‌رسد از آنجاکه مؤسساتی از قبیل علی‌پی اجرت خدمات خود را جداگانه دریافت می‌کنند، بهره‌مند شدن ایشان از سود مبالغ امانی غیرمنصفانه است و طرف‌های قرارداد با علی‌پی صرفاً به علت الحاقی بودن قرارداد خدماتی مزبور، ناچار به تمکین و پذیرش این شرط غیرمنصفانه‌اند. همچنین دریافت اجرت جداگانه در طرح حساب امانی شاید باعث شود که این مؤسسات سعی در طولانی کردن فرایند رسیدگی به اختلافات کنند تا سود بیشتری ببرند.

در مجموع، پس از بررسی انواع ساختارهای اجرای پولی باید گفت بازارهای اینترنتی موفق‌تری مثل تائوبائو،^۳ آمازون و ای‌بی برای اجرای نتیجه دعاوی داخلی خود از واسطه‌های پرداختی مثل پی‌پال و علی‌پی کمک می‌گیرند. سازمان‌های حل اختلاف برخط که خارج از بازار تجارت الکترونیکی فعالیت می‌کنند نیز می‌توانند از راهکارهای مذکور برای اجرای نتیجه حل اختلاف بهره‌مند شوند.

در طرح بازگشت هزینه و طرح تضمین معامله، فروشنده می‌تواند وجوه را بلافاصله پس از پرداخت دریافت کند و واسطه پرداختی مالکیتی بر وجوه ندارد. در طرح حساب امانی، وجوه نزد واسطه باقی می‌ماند تا خریدار دریافت کالا را اعلام کند. در این طرح،

۱. Payment & Clearing Association of China

۲. Administrative Measures for the Online Payment Business of Non-bank Payment Institutions -Measures for Depository of Customer Excessive Reserves by Payment Institutions.

۳. Taobao

به علت عدم کنترل طرفین بر وجوه، ریسک بیشتری برای آنها وجود دارد و به همین علت تقنین مقررات کارآمد درخصوص این طرح ضروری است.

باید توجه داشت که اصولاً مؤسسات خصوصی حق کنترل وجوه متعلق به اشخاص دیگر را ندارند و لذا چنین حقی صرفاً بر اساس شروط قراردادی منعقدشده با کاربر به این مؤسسات داده می‌شود. در همین راستا، در طرح بازگشت هزینه، بانک صادرکننده کارت اعتباری قراردادی را با دارنده کارت منعقد می‌کند و بانک دریافت‌کننده وجوه نیز قراردادی را با فروشنده منعقد می‌کند. زمانی که دارنده کارت مبلغ را از طریق کارت اعتباری به فروشنده بپردازد، بانک دریافت‌کننده وجوه موظف است تراکنش مربوطه را از بانک صادرکننده کارت اعتباری دریافت کند. اگر دارنده کارت ادعای بازگشت هزینه را مطرح کند، بانک صادرکننده کارت اعتباری آن مبلغ را از بانک دریافت‌کننده وجوه مسترد می‌کند و اگر متعاقباً فروشنده با ارائه مستندات خلاف ادعای خریدار را اثبات نمود، بانک دریافت‌کننده وجوه را از بانک صادرکننده کارت اعتباری دریافت می‌کند.^۱ در طرح تضمین معامله، واسط پرداختی حق پرداخت وجوه به محکوم‌له را وفق قرارداد با کاربر کسب می‌کند.^۲ در طرح حساب امانی، واسط پرداختی ثالث حق اقدام به‌عنوان نماینده طرفین را وفق قرارداد خدمات پرداخت کسب می‌کند که حسب قرارداد مذکور^۳ می‌تواند پرداخت را تا زمان تأیید دریافت کالا از سوی خریدار به تعویق بیندازد.

۱-۲. راهکارهای اجرای نتیجه حل اختلاف نام دامنه

نام دامنه، نامی است که سایت‌های اینترنتی با آن شناخته می‌شوند و ممکن است درخصوص آن اختلافاتی ایجاد شود که حسب مورد، سند حل اختلاف مربوطه در قالب رأی یا سازش‌نامه تنظیم یا صادر می‌شود. «شرکت تخصیص نام‌ها و شماره‌های اینترنتی» (آیکان)^۴ که مهم‌ترین اقدام وی تبدیل نام دامنه به آدرس آی پی^۵ است، قواعد حل دعاوی

۱. MasterCard Chargeback Guide and Visa Chargeback Guidelines for Visa Merchants.

۲. User Agreement for PayPal Service , eBay User's Agreement.

۳. Alipay Service Agreement.

۴. Internet Corporation for Assigned Names and Numbers (ICANN)

۵. Internet Protocol Address

نام دامنه^۱ را وضع کرده است که مالک نام دامنه برای تبدیل وضعیت مذکور باید این قواعد را بپذیرد (Schultz, 2002, p. 10). از سال ۲۰۰۰، سازمان مذکور ساختار داوری برخطی را طراحی کرده است که دعاوی مربوط به نام دامنه از طریق سازمان‌های داوری تأییدشده به صورت برخط حل و فصل شود. یکی از قواعد مهم شرکت مذکور آن است که نتیجه دعاوی مربوط به نقض نام دامنه، به صورت خودکار توسط ثبت‌نام‌کننده نام دامنه^۲ اجرا می‌شود. در روش‌های قبلی، اجرای نتیجه حل اختلاف برخط، از طریق کنترل بر منابع مالی صورت می‌گرفت، اما در این روش، اجرا به وسیله کنترل بر منابع ارزشمند اجتماعی و دارایی‌های دیجیتال مثل حقوق مالکیت فکری انجام می‌شود (Duca et al., 2012, p. 67).

وفق قواعد حل دعاوی درباره نام دامنه، اجرای نتیجه حل اختلاف از طریق لغو نام دامنه و انتقال نام دامنه به خواهان صورت می‌گیرد. به محض شروع رسیدگی به اختلافات مربوط به نام دامنه، نام دامنه قفل می‌شود. در صورتی که رأی به نفع خواهان صادر شود، مرجع حل اختلاف رأی را تا سه روز کاری به مالک نام دامنه اعلام می‌کند و وی، با توجه به توافق‌نامه اعتبار ثبت نام^۳ که قبلاً با آیکان منعقد کرده است، وظیفه دارد رأی را اجرا کند. وفق مقرره مذکور، قبل از اجرای رأی، ده روز کاری به مالک نام دامنه فرصت داده می‌شود تا اعتراض خود را نزد دادگاه طرح نماید و وی موظف است، برای جلوگیری از اجرای رأی، مستندات لازم مبنی بر طرح دعوا نزد دادگاه را ارائه دهد و در این صورت ثبت‌نام‌کننده نام دامنه، تا تعیین نتیجه دعوا، رأی را اجرا نخواهد کرد. روش مذکور بسیار مؤثر بوده است و یک‌سوم تا یک‌دوم پرونده‌های مربوط به نام دامنه از این طریق اجرا می‌شوند و این وضعیت باعث شده است که نتیجه حل اختلاف در این گونه دعاوی در اکثر موارد اجرا شود (White, 2001, pp.229, 236-237; Hanriot, 2015, p. 14).

روش گفته‌شده، به علت ویژگی‌های خاص آن، برای اجرای نتیجه تمامی دعاوی برخط قابلیت استفاده را ندارد، زیرا اولاً ضمانت‌اجراهای این روش محدود به لغو یا

۱. Uniform Domain-Name Dispute-Resolution Policy (UDRP)

۲. Registrar

۳. Registration Accreditation Agreement

انتقال مالکیت نام دامنه است و فقط در مورد دعاوی مربوط به نام دامنه^۱ قابل استفاده است و حتی وفق ماده ۵ قواعد حل دعاوی درباره نام دامنه، صرفاً در دعاوی مربوط به نقض حق دامنه می‌توان از این روش استفاده کرد و درباره سایر دعاوی مربوط به نام دامنه، مثل محتوای وب‌سایت یا انتقال نام دامنه، امکان بهره‌مندی از این روش وجود ندارد. ثانیاً وفق مقررۀ مذکور، تصمیم اتخاذی در پرونده‌های مربوط به نام دامنه نهایی نیست و امکان نقض آن توسط دادگاه وجود دارد و در صورت طرح دعوا نزد دادگاه، رأی اجرا نمی‌شود. در پرونده‌هایی مثل ریتل سرورز علیه فریبرز پابلیگیشنز^۲ و ایک ام ستلایت رادیو علیه مایکل بیکر^۳، رأی صادره در پرونده‌های مربوط به نام دامنه توسط دادگاه نقض شده است، زیرا دادگاه‌ها ادله و مستندات را کامل‌تر بررسی می‌کنند (Froomkin, 2000, p. 100; Zheng, 2020, p. 325).

۳-۱. راهکارهای اجرای خودکار بر اساس فناوری زنجیره بلوکی

بلاک‌چین یک پایگاه داده توزیع شده^۴ دارای لیستی از بلوک‌ها^۵ است که هر بلوک با اتصال به بلوک‌های دیگر، زنجیره‌ای بلوکی^۶ را ایجاد می‌کنند (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸، ص ۲۶۱-۲۶۲) و در واقع بستری نامتمرکز است که قابلیت برخورداری از انواع تراکنش‌های مالی و ذخیره داده‌پیام‌های الکترونیکی را دارد. هدف اصلی ایجاد آن، زمان‌بندی اسناد نهایی دیجیتال است تا امکان تغییر زمان آن‌ها وجود نداشته باشد. وقتی اطلاعاتی در یک بلاک‌چین ثبت شود، تغییر آن بسیار دشوار است و در صورت تغییر یک بلاک، تمامی بلاک‌های مرتبط بی‌اعتبار می‌شوند.

با این‌که زنجیره بلوکی عموماً در ارزش‌های دیجیتال استفاده می‌شود، امکان استفاده از این فناوری در اجرای نتایج حل اختلاف برخط نیز وجود دارد. برخی نویسندگان پیشنهاد

۱. Cyber-Squatting Disputes

۲ Retail Servs. Inc.v. Freebies Publ'g

۳ XM Satellite Radio Inc. v. Michael Bakker

۴. Distributed Database

۵. Blocks

۶. Blockchain

کرده‌اند که از ساختار سپرده بیت‌کوین^۱ برای اجرای نتیجه حل اختلاف برخط استفاده شود (Ortolani, 2015, p.595-598). مبلغ خرید را می‌توان از طریق بیت‌کوین پرداخت اما دسترسی فروشنده به مبلغ منوط به رضایت دو شخص از سه شخص (خریدار، فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات حل اختلاف برخط) است. اگر اختلافی ایجاد نشد، با توافق خریدار و فروشنده، مبلغ در اختیار فروشنده قرار می‌گیرد. در صورت وقوع دعوا، تصمیم سازمان حل اختلاف برخط و محکوم‌له باعث آزاد شدن وجوه به نفع محکوم‌له (خریدار یا فروشنده) می‌شود. در واقع، این راهکار بسیار شبیه ساختار حساب سپرده است با این تفاوت که در کنار سازمان حل اختلاف، باید رضایت خریدار یا فروشنده نیز برای آزادسازی وجوه وجود داشته باشد و سازمان مذکور به‌تنهایی امکان آزادسازی وجوه را ندارد.

کاربرد دیگر زنجیره بلوکی در قراردادهای هوشمند است که قرارداد از طریق کدهای برنامه‌ریزی شده ذخیره یا اجرا می‌شود. قرارداد هوشمند نوعی قرارداد الکترونیکی است که توافق طرفین (ایجاب و قبول) در بستر بلاک‌چین یا زنجیره بلوکی تحقق می‌یابد و مفاد توافق طرفین به‌عنوان یک کد رمزنگاری شده^۲ در هر بلوکی ثبت می‌شود و یک زنجیره بلوکی را تشکیل می‌دهد. در این صورت امکان هرگونه تغییر در مفاد قرارداد منتفی می‌شود. یکی از ویژگی‌های قراردادهای هوشمند، ویژگی خوداجرایی^۳ است. بدین توضیح که در صورت تحقق شرایط مذکور در قرارداد و تأیید اجرای تعهدات از سوی طرفین، تعهدات قراردادی به‌طور خودکار اجرا می‌شوند. برای مثال، در صورت تحویل کالا، پرداخت از طریق قرارداد هوشمند صورت می‌گیرد یا در صورت تأیید پرداخت ثمن قراردادی، دارایی بدون نیاز به اقدامی از سوی طرفین از طریق هوش مصنوعی منتقل می‌شود. یکی از قابلیت‌های قراردادهای هوشمند، انعقاد معاملات عهدی است. بدین توضیح که پس از انعقاد قرارداد، وجه قرارداد در حساب یکی از طرفین مسدود می‌شود

۱. بیت‌کوین نوعی پول مجازی است که متکی بر اصول رمزگذاری برای معتبر ساختن تراکنش‌ها است، در حالی که سیستم کنترل‌کننده متمرکز ندارد و از طریق هیچ سازمان یا نهاد دولتی اداره نمی‌شود. در واقع بیت‌کوین اولین نظام پرداخت دیجیتال کاملاً غیرمتمرکز جهان و بدون نیاز به بانک و بانک‌های مرکزی است.

۲. Cryptocode

۳. Automatic Execution

و در صورت انجام تعهد توسط طرف مقابل، وجه به صورت خودکار توسط هوش مصنوعی به حساب بانکی متعهد منتقل می‌شود (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸، ص ۲۶۲). قرارداد حل اختلاف برخط میان طرفین نیز نوعی قرارداد عهدی است که تعهد موضوع قرارداد، اجرای نتیجه دعوا است.

کلروس^۱ سازمان حل اختلاف برخطی است که از این روش استفاده می‌کند. اولاً اشخاصی وارد قرارداد هوشمند می‌شوند و کلروس را به عنوان مرجع حل اختلاف انتخاب می‌کنند. در صورت بروز اختلاف، کلروس بر اساس اطلاعات موجود تصمیم‌گیری می‌کند و قرارداد هوشمند رأی مذکور را به صورت خودکار اجرا می‌سازد (Cohn et al., 2017, p. 281).

مهم‌ترین مزیت این روش فقدان واسط پرداختی و انجام پرداخت خودکار است. همچنین نیازی به پرداخت هزینه‌های جانبی دو پرداخت وجود ندارد (پرداخت از خریدار به واسط و پرداخت از واسط به فروشنده). همچنین طرفین برای انعقاد چنین قراردادی باید دارای کلیدهای خصوصی تخصیص داده شده^۲ در امضانات دیجیتالی باشند و از این جهت هویت، اموال، سوابق کیفی، وضعیت حقوقی آن‌ها از سوی مراجع ذیصلاح بررسی می‌شود (ناصر و صادقی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۷). وضعیت مذکور باعث افزایش شفافیت می‌شود. برای مثال، اشخاص فقط امکان انعقاد قرارداد در خصوص اموال متعلق به خود را دارند و در این صورت از انعقاد قراردادهای فضولی یا فروش مال غیر جلوگیری می‌شود. علاوه بر این، در صورت ذکر شروط مبهم یا باطل در قرارداد، امکان انعقاد قرارداد هوشمند به طرفین داده نمی‌شود؛ از این رو امکان ایجاد حق فسخ در این گونه قراردادها به دلیل ذکر شروط باطل یا مبهم منتفی است (مظفری و ناصر، ۱۴۰۰، ص ۲۶۱).

مهم‌ترین معایب این روش عبارت است از: اولاً مفاد قرارداد هوشمند کدگذاری شده است و قابل تغییر نیست و در صورت اجرای قرارداد نیز امکان بازگشت وجود ندارد. ثانیاً، با توجه به وابستگی این ساختار به رمزگذاری، ممکن است ایرادات سیستمی و فنی رخ دهد. برای مثال، در یک مورد هرکس توانستند ۶۰ میلیون دلار ارز دیجیتال

۱. Kleros

۲. Private Cryptographic Key

سرقت کنند. ثالثاً امکان نظارت قضایی بر رأی صادره منتفی است و امکان تغییر کدها توسط مرجع حل اختلاف وجود ندارد (Raskin, 2016, p.327; Koulu, 2016, p.307-). (308; Kaal & Calcaterra, 2017, p.41).

۲. موضع حقوق ایران درخصوص راهکارهای اجرای خودکار نتایج حل اختلاف برخط

پس از بررسی جوانب مختلف راهکارهای اجرای خودکار و مزایای آن‌ها، می‌توان ایجاد و ترویج این روش‌های اجرای حل اختلاف را مهم‌ترین و اساسی‌ترین گام در به‌منظور کاهش مراجعه به محاکم دانست. تجربه سایر روش‌های جایگزین حل اختلاف در نظام حقوقی ایران موفق نبوده است، زیرا روش‌های جایگزین حل اختلاف عموماً به مراجعه به دادگستری و اجرای احکام منجر می‌شوند. برای مثال، داوری اگرچه از لحاظ نظری یک طریق جایگزین حل اختلاف است اما برخلاف آرمان روش‌های جایگزین حل اختلاف، بر حجم کاری محاکم افزوده است زیرا در بسیاری از موارد، رأی داوری در معرض اعتراض و ابطال نزد محاکم قرار می‌گیرد و تعداد چشمگیری از آرای داوری از همین طریق ابطال شده و به دنبال آن اصل دعوا باید مجدداً در ماهیت، در محاکم بدوی و تجدیدنظر مطرح شود. همچنین بسیاری از گزارش‌های اصلاحی و سازش‌نامه‌ها در اثر ابهامات توافقات طرفین با دعاوی متعددی از قبیل درخواست تأیید فسخ، انفساخ، اقاله و اعلام بطلان سازش‌نامه مواجه می‌شوند که این وضعیت منافی با حکمت پیش‌بینی روش‌های جایگزین حل اختلاف مبنی بر قضاوتی و کاهش حجم کاری دادگاه‌ها است. در نتیجه روش‌های گفته‌شده، در تجربه عملی نظام حقوقی و قضایی ایران به‌منظور کاهش حجم کاری دادگاه‌ها، نه تنها کمکی نکرده بلکه وضعیت را بدتر کرده‌اند؛ لذا روش‌های جایگزین حل اختلاف به‌جای آن‌که کاهش‌دهنده تعداد پرونده‌های مراجع قضایی باشند، خود باعث ایجاد پرونده و افزایش حجم کاری دادگستری هستند؛ اما در روش‌های حل اختلاف اخیرالذکر، لزوم مراجعه به دادگستری و کلیه دستگاه‌های دولتی، انتظامی و عمومی به‌منظور امور قضایی و اجرایی و امثال آن منتفی می‌شود. به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد می‌شود که زیرساخت‌های قانونی، فنی و الکترونیکی لازم برای انعقاد قراردادهای هوشمند و بستر این‌گونه روش‌های حل اختلاف را فراهم سازد. علاوه بر آن،

دستگاه تقنینی کشور باید قواعد و احکام مربوط به این روش حل اختلاف را به صورت مجموعه مدونی از قواعد به‌عنوان قانونی مجزا مورد پیش‌بینی قرار دهد. در ادامه وضعیت کنونی مقررات نظام حقوقی ایران در خصوص راهکارهای اجرای خودکار، در مباحث ذیل به تفصیل مورد مذاقه قرار خواهد گرفت:

۱-۲. راهکارهای پولی

در مورد وضعیت نظام حقوقی ایران در خصوص مباحث فوق‌الذکر، با توجه به فقدان مقررات صریح قانونی به‌منظور اجرای ساختارهای پولی مذکور، دو رویکرد قابل اتخاذ است:

۱- در رویکرد اول بر این مسئله تأکید می‌شود که روش‌های گفته‌شده مستلزم اقدامات مالی و بانکی هستند که حسب مقررات نظام حقوقی ایران شناسایی نشده‌اند. در حقیقت در نظام حقوقی ایران، عملیات و عقود بانکی به صورت حصری از سوی مقنن احصاء می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه مقنن، قراردادهای خصوصی را بر فهرست عملیات بانکی بیفزاید. در واقع، مقررات حاکم بر حقوق بانکی در ایران به نحوی تنظیم شده است که جولانگاه وسیعی برای اصل آزادی قراردادی در این ساحت باقی نگذاشته و بانک‌ها و مؤسسات مالی را ملزم به رعایت قالب‌ها و چارچوب‌هایی کرده که از سوی مقنن طرح‌ریزی شده است؛ بنابراین از آنجاکه طرح‌های سه‌گانه مذکور به نحوی مداخله در امور بانکی و مالی قلمداد می‌شوند، تا زمانی که مورد تقنین مقنن قرار نگیرند، قابلیت استفاده در این خصوص نخواهند داشت.

به‌منظور تقویت تحلیل مذکور، شایسته است به ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مصوب ۱۳۸۳، توجه شود که بیان می‌دارد: «اشتغال به عملیات بانکی از سوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. عملیات بانکی در این قانون به امر واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار به صورت دریافت انواع وجوه، سپرده، ودیعه و «موارد مشابه تحت هر عنوان» و اعطای وام، اعتبار و سایر تسهیلات و صدور کارت‌های الکترونیکی پرداخت و کارت‌های اعتباری اطلاق می‌شود». همچنین بند واو ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تنظیم بازار غیر

متشکل پولی مصوب ۱۳۸۶ در خصوص قبول سپرده به‌عنوان یکی از انواع عملیات بانکی بیان می‌دارد که: «دریافت هرگونه وجه به ریال یا ارز از سوی اشخاص به‌نحوی که برداشت تمام یا قسمتی از مانده آن عندالمطالبه یا حسب توافق طرفین از سوی صاحب سپرده یا نماینده معرفی شده وی و یا پرداخت به شخص ثالث به دستور وی امکان‌پذیر باشد. این امر می‌تواند با احتساب سود یا امتیازات خاص و یا بدون آن‌ها با رعایت قانون عملیات بانکداری بدون ربا - مصوب ۱۳۶۳ - صورت پذیرد و پرداخت به صاحب یا صاحبان سپرده با مراجعه حضوری یا بهره‌گیری از خدمات کارت‌های پرداخت و ابزارهای الکترونیکی انجام شود». در حقیقت مقرر مذکور، اولاً رعایت مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۳ را الزامی دانسته و ثانیاً پرداخت را به صاحبان سپرده و نه اشخاص ثالث معطوف کرده است.

تبصره بنده ماده ۱ آیین‌نامه مذکور عنوان می‌دارد که: «هرگونه عملیات تجاری مانند خرید و فروش اموال به جز تأمین نیازهای اداری و یا به‌منظور اعطای تسهیلات به مشتریان در قالب عقود اسلامی ممنوع است». ماده ۲ آیین‌نامه فوق‌الذکر تاکید کرده است که «اشتغال به عملیات بانکی از سوی اشخاص تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی ممنوع است». ماده ۳ این آیین‌نامه استثنائی را به‌صورت کاملاً مضیق عنوان داشته مبنی بر آنکه «وجوهی که تولیدکنندگان کالا یا ارائه‌دهندگان خدمات بابت پیش‌فروش محصولات تولیدی خود از متقاضیان دریافت می‌کنند، مشروط بر این که نهایتاً به خرید کالا یا خدمت با تخفیف یا بدون تخفیف موردنظر ختم شود، از شمول مفاد این آیین‌نامه مستثنی است؛ لذا وفق مقرر اخیرالذکر، تنها وجوه بابت پیش‌فروش محصولات و خدمات استثناء شده‌اند و وثیقه یا امانت گرفتن وجوه به‌منظور تبادل میان دو طرف دیگر مستثنی نشده است. در حقیقت، چنانچه مؤسسات حل اختلاف برای رسیدگی به اختلافات برخط تشکیل شوند، می‌توانند اجرت خدمات خود را به‌صورت پیش‌پرداخت از متقاضیان خدمات حل اختلاف، تحت شرایط خاصی و با رعایت ماده ۳ آیین‌نامه مذکور، دریافت کنند اما مجاز نیستند که وجوه مربوط به موضوع دعوا و متعلق به طرفین را نزد خود یا نزد شخص ثالثی به‌عنوان سپرده نگهداری نمایند.

در راستای تبیین حقیقت حصری بودن عملیات بانکی، ماده ۴ آیین‌نامه مذکور بیان می‌دارد که: «تشخیص عملیات بانکی و تعیین مصادیق آن بر اساس قانون و قانون پولی و بانکی کشور - مصوب ۱۳۵۱ - و قانون عملیات بانکی بدون ربا - مصوب ۱۳۶۲ - و مقررات این آیین‌نامه بر عهده بانک مرکزی است». ماده ۷ آیین‌نامه در این راستا تأکید می‌کند که «فعالیت اشخاصی که با لحاظ ماده ۵ بدون مجوز به انجام عملیات بانکی مبادرت ورزند، با اعلام بانک مرکزی، از سوی نیروی انتظامی متوقف خواهد شد». طبق ماده ۸ آیین‌نامه نیز با مؤسساتی که بدون مجوز اقدام به عملیات بانکی می‌کنند، برخورد می‌شود. ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ حدود اختیارات بانک مرکزی را احصاء کرده و حتی برای نهاد مذکور نیز امکان تعریف عملیات پولی و بانکی جدید بدون تصویب مقنن ایجاد نکرده است. دقت در بندهای پانزده‌گانه ماده ۱۴ قانون مذکور، بیانگر آن است که بانک مرکزی امکان طرح‌ریزی عقود و عملیات بانکی پولی و بانکی را ندارد و این موضوع فقط در صلاحیت مقنن است. همچنین، ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ اختیار بانک‌ها در قبول سپرده را صرفاً در چند قالب حصری محدود کرده است: «سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری، سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار». در تبصره ماده مذکور نیز عنوان شده است که: «سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به‌کارگرفتن آن‌ها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد»؛ بنابراین، غیر از فهرست مذکور، بانک‌ها اجازه دریافت سپرده ندارند.

در همین راستا، ماده ۹ قانون مذکور بیان داشته است که: «بانک‌ها می‌توانند برای ایجاد تسهیلات لازم به‌منظور گسترش امور بازرگانی در چارچوب سیاست‌های بازرگانی دولت، منابع مالی لازم را بر اساس قرارداد مضاربه، استصناع، مرابحه و خرید دین، در اختیار مشتریان با اولویت دادن به تعاونی‌های قانونی قرار دهند». در این ماده نیز با چند قید، اختیارات بانک‌ها در تسهیل امور بازرگانی محدود شده است: اولاً نوع قرارداد مضاربه است؛ ثانیاً در چارچوب سیاست‌های بازرگانی دولت باید عمل شود؛ ثالثاً اولویت با تعاونی‌های قانونی است. قراردادهایی که بر مبنای آن، عملیات بانکی اجرا می‌شود در

مواد ۹ تا ۱۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد پیش‌بینی قرار گرفته و طبعاً اثری از سازوکارهای گفته‌شده (روش‌های پولی مذکور به‌منظور اجرای نتیجه حل اختلاف) در مقررات مشاهده نمی‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد عقود و عملیات بانکی در نظام حقوقی ایران، در زمره عقود تشریفاتی قرار گرفته‌اند و همچنین دارای فهرست حصری و با طرفین قراردادی حصری (بانک‌ها و مؤسسات دارای مجوز بانک مرکزی) هستند؛ لذا امکان طراحی قالب‌های جدید بین بانک و مشتریان وجود ندارد و تمامی این امور مستلزم تصویب قوه مقننه است. با این اوصاف، عملاً اجرای روش‌های حل اختلاف مذکور، در حقوق ایران امکان‌پذیر نبوده و به مقنن ایرانی پیشنهاد می‌شود به‌منظور تسهیل حل اختلاف برخط و کاهش مراجعات به مراجع قضائتی، مقررات متناسب در این زمینه را طراحی و تصویب کند.

به نظر می‌رسد که نظام پولی و بانکی در کشورهایی که اجازه فعالیت نهادهای حل اختلاف برخط وجود دارد انعطاف‌پذیری داشته و اصل حاکمیت اراده در نظام پولی و بانکی آن‌ها قدری جدی‌تر گرفته شده است. جدیدترین تحولات حل و فصل اختلافات برخط مستلزم نگاه وسیع مقنن به امور پولی و بانکی است. در ایران، با توجه به وجود تجربیات منفی در برخی پرونده‌های سنگین مثل پرونده سه هزار میلیارد تومانی در قالب اعتبار اسنادی و پرونده‌های متعدد مؤسسات مالی اعتباری و بانک‌های خصوصی، روزه‌روز بر حساسیت و نگاه مضیق مقنن و دستگاه‌های تنظیم‌کننده مثل بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار افزوده شده و نتیجتاً جای ابتکار عملی در این زمینه باقی نمانده است.

با توجه به آنچه ذکر شد، اثری از مؤسسات حل اختلاف در مقررات قانونی پولی و بانکی مشاهده نمی‌شود. جای نقد و خدشه به مقنن ۱۳۶۲ و ۱۳۵۱ نیست که پیش‌بینی لازم را در این خصوص نکرده است. بدیهی است که مقنن پاسخگوی نیازهای زمان خود است و در زمان تصویب قوانین مذکور، اساساً موضوعی به‌عنوان نهادهای حل اختلاف برخط لاقلاً در ایران مورد ابتلا و شناسایی نبود. نتیجه تحلیل مذکور آن است که اگر اراده بر توسعه روش‌های جایگزین حل اختلاف و کاهش دعاوی ارجاعی به مراجع

قضایی و کاهش تراکم پرونده‌ها در محاکم باشد، یکی از راه‌حل‌های آن، ایجاد و تقویت و گسترش نهادهای فصل دعوای برخط است و چنین اقدامی در زمینه اجرای خودکار نتیجه حل اختلاف برخط جز با پیش‌بینی مقررات مقتضی بانکی و مالی از سوی قوه مقننه و فارغ از محافظه‌کاری‌های افراطی، میسر نیست. در این صورت، زمینه برای جهش اساسی حل و فصل دعوای در ایران فراهم خواهد شد.

۲- حسب رویکرد دوم: بهترین راهکار به‌منظور بهره‌مندی از مزایای روش‌های اجرای خودکار، انعقاد قراردادهایی خاص در این خصوص است که اعتبار خود را از حقوق قراردادهای، ظرفیت ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادی کسب کنند. در واقع، می‌توان راهکارهای مذکور را در قالب شرط ضمن عقد و با توافق طرفین اعمال نمود. در پاسخ به معتقدان به رویکرد اول نیز باید بیان شود که با توجه به قید «موارد مشابه تحت هر عنوان» در ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳، می‌توان بر اصل حصری بودن عقود بانکی در حقوق ایران تردید کرد. همچنین، حسب تبصره بند ه ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۶، هرگونه عملیات تجاری در قالب عقود اسلامی ممنوع است. درحالی‌که طرح‌های اجرای خودکار ضرورتاً نباید از طریق عقود اسلامی اجرا شوند. به‌علاوه باید توجه داشت که در صورت حصری بودن عقود، مانعی برای درج شروط ضمن عقد با توافق طرفین وجود ندارد و حتی اگر به فرض در رابطه‌ای حقوقی استفاده از عقود تشریفاتی خاص الزامی باشد، این بدان معنا نیست که شیوه‌های حل و فصل اختلاف مرتبط با آن نیز حصری است. در تقویت رویکرد دوم، باید عنوان داشت که می‌توان راهکارهای اجرای پولی را حسب مقررات حقوق مدنی ایران، قابل اعمال دانست. راهکار برگشت هزینه وفق مقررات حقوق مدنی این‌گونه قابل توجیه است که حق فسخ معامله در صورت عدم تحویل یا عدم تطابق کالا به ثالث (بانک) اعطا می‌شود و در صورت تحقق شرایط مذکور، پس از فسخ قرارداد، ثمن به خریدار مسترد می‌شود. به‌علاوه، طرح تضمین معامله از برخی جهات می‌تواند در قالب رهن با شرط نگه‌داری مرهونه نزد ثالث توجیه شود. اگر طرح مذکور از حیث حمایت از فروشنده بررسی گردد، می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که خریدار به‌عنوان مالک کالای خریداری شده، آن را در رهن فروشنده قرار داده و در

صورت عدم ایفای تعهدات قراردادی، فروشنده می‌تواند با استناد به عقد رهن مالک کالای مزبور شود. در مقابل باید توجه داشت که طرح مذکور، بیشتر به دنبال حمایت از خریدار است؛ لذا فروشنده پس از انعقاد قرارداد با خریدار، مالک وجه نقد می‌شود و باید وجه مذکور را در رهن خریدار قرار دهد که در صورت عدم ایفای تعهدات قراردادی، خریدار بتواند به‌عنوان مرتهن، مالک وجوه مذکور شود. همچنین وفق ماده ۷۷۲ وجوه مذکور در اختیار واسطه معاملاتی به‌عنوان ثالث قرار داده می‌شود. تنها مشکل تحلیل مذکور آن است که حسب ماده ۷۷۴، موضوع عقد رهن باید عین معین باشد و وجه نقد فاقد چنین وصفی است.

در مجموع و پس از بررسی و تدقیق در دو رویکرد مذکور، به‌نظر می‌رسد که رویکرد دوم قابل دفاع است. مزیت‌های متعدد توسعه راهکارهای اجرای پولی از جمله توسعه حل اختلاف برخط، کاهش حجم کاری دادگاه‌ها و غیره از یک طرف و ظرفیت شروط ضمن عقد و ماده ۱۰ قانون مدنی از طرف دیگر، رویکرد دوم را توجیه می‌سازد. در نتیجه، جدا از تأکید بر تقنین مقررات ویژه در این خصوص، نباید در وضعیت کنونی نیز نظر بر عدم جواز استفاده از راهکارهای پولی داشت و شایسته است که مسیر استفاده از این روش‌ها برای اشخاص و فعالان تجاری بسته نشود.

۲-۲. راهکارهای اجرای نتیجه حل اختلاف نام دامنه

در ایران نام دامنه دات آی آر (i.r) از سوی مرکز ثبت نام دامنه کشوری ایران مدیریت می‌شود که سازمان مذکور مقرراتی را در این زمینه وضع کرده است. وفق ماده ۸ «ضوابط و شرایط نام دامنه با پسوند دات آی آر»، در صورتی که نام دامنه به ثبت برسد، دارنده امتیاز ثبت موافقت می‌نماید که ملزم به رعایت سیاست مرکز ثبت در زمینه حل و فصل اختلافات باشد. طبق بند ۱ ماده ۱۱ مقرر مذکور و ماده ۳ «سیاست‌نامه حل اختلاف در زمینه ثبت نام دامنه با پسوند دات آی آر»، مرکز ثبت این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که بر طبق شرایط زیر نسبت به لغو یا انتقال نام دامنه اقدام کرده یا هر نحو تغییراتی را نسبت به ثبت نام دامنه به عمل آورد: الف) وصول دستور از دارنده؛ ب) دستور از مقام قضایی یا مرجع داوری صالح و ج) در صورت وصول تصمیم متخذه از

سوی هیئت حل اختلاف اجرایی (مرکز داوری و میانجیگری سازمان جهانی مالکیت فکری «وایپو»).

۲-۳. راهکارهای اجرای خودکار بر اساس فناوری زنجیره بلوکی

در مورد قراردادهای هوشمند و فناوری بلاک‌چین در حقوق ایران مقررۀ خاصی وضع نشده است و اعتبار قراردادهای مزبور باید بر اساس شرایط عمومی صحت قراردادها مذکور در مادۀ ۱۹۰ قانون مدنی بررسی شود. از به‌منظور احراز قصد و رضای طرفین، در قراردادهای هوشمند از ابزار امضای الکترونیکی یا امضای دیجیتال، استفاده می‌شود که در صورت برخورداری از شرایط مندرج در مادۀ ۱۰ قانون تجارت الکترونیکی از اعتبار کامل برخوردارند. همچنین در خصوص تخصیص امضای الکترونیکی وفق مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مذکور، آیین‌نامه اجرایی مادۀ ۳۲ قانون تجارت الکترونیکی از سوی هیئت وزیران در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسیده است. حتی قراردادهای هوشمند شاید مزیت‌هایی نیز داشته باشند، زیرا در قراردادهای سنتی به علت وجود امکان خطای انسانی و برداشت اشتباه از منظور و هدف طرف مقابل، در برخی موارد مطابقت قصد طرفین میسر نمی‌شود اما در قراردادهای هوشمند، تطابق قصد از طریق برنامه‌نویسی رایانه‌ای احراز می‌شود و لذا اگر قصد یک طرف انعقاد عقد بیع و دیگری انعقاد عقد اجاره باشد، به‌صورت خودکار امکان انعقاد قرارداد منتفی می‌شود.

از حیث احراز اهلیت طرفین قرارداد نیز قراردادهای هوشمند در وضعیت بهتری از قراردادهای سنتی هستند زیرا در زمان انعقاد قراردادهای اخیرالذکر، هیچ نظارتی بر وجود اهلیت طرفین وجود ندارد اما در قراردادهای هوشمند، داشتن مجوز امضای دیجیتال و امکان استفاده از رمزارزها، منوط به احراز اهلیت اشخاص است. احراز اهلیت شخص فقط در زمان صدور مجوزهای فوق صورت نمی‌گیرد و حتی پس از آن نیز اگر شخص فاقد اهلیت شود، نمی‌تواند از امکانات مذکور استفاده نماید. برای مثال، در صورت صدور حکم حجر، هوش مصنوعی با استعلام وضعیت موجود از پایگاه‌های اطلاعاتی از انعقاد قرارداد هوشمند جلوگیری می‌کند^۱. لذا احراز هویت اشخاص به‌منظور داشتن مجوزهای

۱. پایگاه‌های اطلاعاتی به نام اوراکل (Oracle) امکان ارتباط فضای بلاک‌چین و دنیای خارج را برقرار و اطلاعات موردنیاز را استخراج و در اختیار هوش مصنوعی می‌گذارند.

لازم برای انعقاد قراردادهای هوشمند، داشتن اهلیت آن‌ها را تضمین می‌کند (خوانساری و قلیچ، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

درخصوص شرط معین‌بودن موضوع معامله، قراردادهای هوشمند علاوه بر داشتن شرط صحت مذکور، از این حیث امتیازاتی نسبت به قراردادهای سنتی دارند. عوض قراردادهای هوشمند صرفاً دارایی‌هایی هستند که مالکیت رسمی شخص نسبت به آن‌ها به صورت رسمی شناسایی شده باشد؛ لذا مشکلاتی مثل فروش مال غیر و معاملات فضولی در این گونه معاملات رخ نمی‌دهند (رشوند بوکانی و ناصر، ۱۳۹۸، ص ۲۷۶). مشروع‌بودن به منظور معامله نیز در قراردادهای هوشمند حائز ویژگی خاصی نیست زیرا در صورت تصریح قرارداد به به منظور نامشروع حسب ماده ۲۱۷ قانون مدنی، قرارداد مذکور معتبر نیست و از این حیث قراردادهای سنتی و هوشمند تفاوتی ندارند. علاوه بر این، هوش مصنوعی در صورت وجود تصریح به جهات نامشروع در قرارداد از انعقاد قرارداد جلوگیری می‌کند.

شاید بتوان گفت، استفاده از ظرفیت قراردادهای هوشمند، به معنای حقیقی، جایگزین حل اختلاف است. در همین راستا، اقدام دستگاه قانون‌گذاری برای طراحی و راه‌اندازی این طریق حل اختلاف در نظام حقوقی ایران قویاً توصیه می‌شود. این تحولی است که در بادی امر ممکن است در مقابل آن مقاومت‌هایی از دیدگاه‌های سنتی وجود داشته باشد اما حقیقت آن است همان گونه که بانکداری الکترونیکی پس از ایجاد زیرساخت‌ها و قوانین مربوطه به شدت گسترش یافت و حجم عمده فعالیت‌های بانکداری را به خود اختصاص داد و مراجعات به بانک‌ها را به شدت محدود نمود، یقیناً پیش‌بینی چنین زیرساختی در نظام حقوقی کشور، باعث استقبال چشمگیر فعالان اقتصادی و حقوقی خواهد شد و بار سنگین فشار روانی و حجم کاری را از دوش متداعیین، وکلا، ساختار دادگستری و قضات محاکم برمی‌دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به تعداد زیاد و ارزش کم دعاوی برخط، انجام تمام یا بخشی از فرایند حل اختلاف در فضای مجازی و عدم حمایت کافی اسناد بین‌المللی، استفاده از روش‌های عادی اجرای نتایج حل اختلاف، مناسب این گونه دعاوی نیست. از این رو در حال حاضر،

غالباً از روش های نوینی برای اجرای خودکار نتیجه حل اختلاف برخط استفاده می شود. مهم ترین مزیت روش های اجرای خودکار، تناسب با اوصاف روش های حل اختلاف برخط است. با استفاده از راهکارهای مذکور، لازم نیست که طرفین دعوا برای اجرای نتیجه دعوا به نهادهای عمومی یا دادگاه مراجعه کنند. همچنین میزان اجرای اسناد حل اختلاف برخط نیز با استفاده از راهکارهای مذکور به نحو چشمگیری افزایش می یابد. ویژگی مشترک روش های خودکار اجرای نتایج حل اختلاف، کنترل بر دارایی ها و اموال ارزشمند طرفین دعوا مثل وجوه نقدی یا نام دامنه است؛ لذا مهم ترین پیش نیاز استفاده از این راهکارها، ایجاد امکان دسترسی به منابع مذکور از سوی مرجع حل اختلاف برخط است. باید توجه داشت که توسعه استفاده از این روش ها، نیازمند حمایت و نظارت قانونی است و باید نظام حقوقی کشورها، روش های الکترونیکی جدید مثل حساب سپرده یا قراردادهای هوشمند را به رسمیت بشناسند تا ابهامی درباره اختیار اشخاص ثالث در اجرای خودکار اسناد حل اختلاف برخط مطرح نشود. در نظام حقوقی ایران، مقررات متناسبی به منظور توسعه راهکارهای مذکور پیش بینی نشده است و قویاً به مقنن ایرانی توصیه می شود با تصویب قواعد متناظر، گام مهمی در به منظور تسهیل اجرای اسناد حل اختلاف برخط بردارد تا اشخاص، فعالان تجاری و نظام حل و فصل اختلافات کشور بتوانند از مزایای متعدد توسعه روش های برخط حل اختلاف بهره مند گردیده و حجم فراوان دعاوی در حال رسیدگی یا در مرحله اجرا نزد محاکم و دستگاه های عمومی کاهش یابد.

توصیه این امر به مقنن ایرانی دلایل و توجیهاتی به شرح ذیل دارد:

۱- کاهش حجم تراکم پرونده ها در دادگستری: یکی از بارزترین ویژگی های روش های مذکور آن است که برخلاف سایر روش های حل اختلاف، خطای انسانی در آن تقریباً نزدیک به صفر است؛ این در حالی است که طریق اصلی حل اختلاف (دادرسی محاکم دولتی) و روش های جایگزین حل اختلاف (از قبیل میانجیگری، داوری، مذاکره، کارشناسی و امثال آن) همگی در معرض خطای انسانی قرار دارند. از این رو، برای جبران خطاهای محتمل انسانی، شکایت از آرا و نتایج نهایی حل اختلاف در مراحل رسیدگی پیش بینی شده است. با توجه به آنچه ذکر شد، تدارک فنی، حقوقی و قانونی به منظور

توسعه این روش حل اختلاف در نظام حقوقی ایران، چندین مزیت از لحاظ کاهش تراکم پرونده‌ها در دادگستری دارد: اصل و اساس این روش‌های اجرایی حل اختلاف منتفی‌کننده مراجعۀ اولیه به دادگستری است. بر همین اساس، پرونده‌ای که در دادگستری به جریان می‌افتد، قاعدتاً به تشکیل چندین پرونده دیگر منجر می‌شود، از جمله پرونده تجدیدنظرخواهی، پرونده فرجام‌خواهی، پرونده واخواهی، پرونده اعتراض ثالث، پرونده اعاده دادرسی و پرونده اجرای احکام. این در حالی است که در صورت استفاده از ظرفیت قراردادهای هوشمند، دعوی اولیه و دعاوی متفرع از آن در دادگستری طرح نخواهند شد. در حقیقت مراجعه به مراجع قضایی به منظور رسیدگی اولیه، مراجعه ثانویه به منظور شکایت از تصمیم بدوی و مراجعه به محاکم به منظور پیگیری اجرای نتیجه حل اختلاف منتفی خواهد شد.

۲- کاهش حجم کاری سایر دستگاه‌ها و مراجع عمومی: در صورت توسعه روش‌های حل اختلاف مذکور، تراکم کار بسیاری از دستگاه‌ها و مراجع دیگر به شدت کاهش خواهد یافت. روزانه حجم چشمگیری از عملکرد و فعالیت بانک‌ها، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، پلیس راهنمایی و رانندگی، اداره گذرنامه، اداره ثبت‌احوال و امثال آن به مکاتبات اجرایی اجرای احکام دادگستری یا اجرای احکام ثبت اسناد و املاک اختصاص می‌یابد که برخی از این اقدامات مستلزم مراجعه حضوری است و درخصوص اقداماتی که نیازمند به مراجعه حضوری نیستند نیز مکاتبات جداگانه‌ای ضرورت دارد که به‌هرحال باعث هدررفت وقت، انرژی و منابع انسانی دولت و قوه قضاییه می‌شوند.

۳- پیشگیری از ایجاد دعاوی: علاوه بر آنچه گفته شد، می‌توان برای توسعه این روش‌ها نقش پیشگیری نیز در نظر گرفت. در حقیقت، برخی از تخلفات از قواعد حقوقی و تعهدات قراردادی به این منظور رخ می‌دهد که متخلف به تفسیر انسانی مقام رسیدگی‌کننده اختلاف امید دارد که شاید بتواند با تمرکز بر ذهنیت او و تشخیص وجدانی، عرفی و حقوقی مقام رسیدگی‌کننده و امثال آن، نتیجه را به نفع خود رقم زند. این وضعیت انگیزه‌ای می‌شود برای اشخاص که شانس خود را به منظور نقض عهد و تخلف از تعهدات قراردادی امتحان نمایند؛ مخصوصاً آنجایی که نقض عهد مذکور منافع مالی چشمگیری برای آن‌ها دارد اما در صورت وجود فرایندی که به‌صورت خودکار و

بدون دخالت انسانی عمل کند، احتمال تخلف از تعهدات بسیار اندک می‌شود زیرا اشخاص می‌دانند که در صورت اقدام مذکور، خسارت مالی قطعی در انتظار آن‌ها خواهد بود و امکان تغییر نتیجه بر اثر هرگونه اقدام استدلالی یا انگیزشی متفی است، زیرا عامل دیجیتالی یا الکترونیکی فاقد امکان تأثیرپذیری و توجه به استدلال‌های موردی و طبعاً فاقد احساسات و عوامل انگیزشی و ضدانگیزشی انسانی است.

منابع

- خوانساری، رسول و قلیچ، وهاب (۱۳۹۹). بررسی ابعاد فقهی و حقوقی به‌کارگیری قراردادهای هوشمند در نظام مالی ایران. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱-۲۲.
- رشوند بوکانی، مهدی و ناصر، مهدی (۱۳۹۸). «قصد متعاملین در قراردادهای هوشمند شرایط اعتبار و شیوه احراز آن». پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۴۹، ص ۲۷۱-۳۰۰.
- مظفری، مصطفی و ناصر، مهدی (۱۴۰۰). «نقش قراردادهای هوشمند در تثبیت حقوق مالکانه افراد». تحقیقات حقوقی، دوره ۲۴، شماره ۹۵، ص ۲۵۹-۲۸۲.
- ناصر، مهدی و صادقی، حسین (۱۳۹۸). «اعتبارسنجی و چالش‌های حقوقی به‌کارگیری قراردادهای هوشمند با مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و آمریکا». پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۷، شماره ۲۷، ص ۲۵۵-۲۸۸.
- Cohn, A., West, T., & Parker, C. (2017). "Smart after all-blockchain, smart contracts arametric insurance, and smart energy grids". *Georgetown Law Technology Review*, 1(2), 273-303.
- Cortes, P. (2007). The Potential of Online Dispute Resolution as a Consumer Redress Mechanism. Available at: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.998865>, (Last accessed: February 10, 2022).
- Cortés, P. (2015). "New Regulatory Framework for Extra-Judicial Consumer Redress: Where We Are and How to Move Forward". *Legal Studies*, 35(1), 114-141.
- Duca, D., Louis, F., Rule, C., & Cressman, B. (2015). "Lessons and best practices for designers of fast track, low value, high volume global e-

- commerce ODR systems”. *Penn State Journal of Law & International Affairs*, 4(1), 242-289.
- Duca, D., Louis, F., Colin, R., & Rimpfel, K. (2014). “eBays de facto low value high volume resolution process- lessons and best practices for ODR systems designers”. *Arbitration Law Review*, 6(10), 204-219.
- Duca, D., Louis, F., Rule, C., & Loebel, Z. (2012). “Facilitating expansion of cross-border e-commerce developing a global online dispute resolution systems (Lessons derived from existing ODR systems-work of the United Nations Commission on International trade law)”. *Penn State Law Legal Studies Research Paper*, 1(1), 59-85.
- Froomkin, A. M. (2000). “Wrong turn in cyberspace: using ICANN to route around the APA and the Constitution”. *Duke Law Journal*, 50, 17-186.
- Hanriot, M. (2015). “Online Dispute Resolution (Odr) as a Solution to Cross Border Consumer Disputes: The Enforcement of Outcomes”. *McGill Journal of Dispute Resolution*, 2, 1-22.
- Hill, J. (2008). *Cross-Border Consumer Contracts*. Oxford: Oxford University Press.
- Kaal, W. A., & Calcaterra, C. (2017). “Crypto transaction dispute resolution”. *The Business Lawyer*, 73(1), 109-152.
- Kendall, R. A. (1964). “Independent escrow agent: the law and the license”. *Southern California Law Rev*, 38, 289.
- Koulu, R. (2016). “Blockchains and online dispute resolution: Smart contracts as an alternative to enforcement”. *SCRIPTed-A J Law Technol Soc*, 13(1), 40-69.
- Ortolani, P. (2015). “Self-Enforcing online dispute resolution: lessons from Bitcoin”. *Oxford Journal of Legal Studies*, 26(3), 595-629.
- Perritt, H. H. (2000). “Dispute Resolution in Cyberspace: Demand for New Forms of ADR”. *Ohio State journal on dispute resolution*, 15(3), 675-703.

- Raskin, M. (2016). "The law and legality of smart contracts". *The Georgetown Law Technology Review*, 1, 304-366.
- Schultz, T. (2002). "Online Arbitration: Binding or Non-Binding?". *ADR Online Monthly*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=898622>
- UNCITRAL (2013). Online dispute resolution for cross-border electronic commerce transactions: overview of private enforcement mechanisms. United Nations. Vienna: Uncitral Working Group III. Available at: <https://undocs.org/en/A/CN.9/WG.III/WP.124> (Last accessed: December 15, 2021).
- White, J. G. (2001). "ICANN's Uniform domain name dispute resolution policy in action". *Berkeley Technology Law Journal*, 16, 229-251.
- Zheng, J. (2020). *Online Resolution of E-commerce Disputes Perspectives from the European Union, the UK, and China*. Shanghai: Springer.

Enforcement of the Results of Online Alternative Dispute Resolution Methods

An Analytical Study on Automated Enforcement Strategies

Reza Maboudi Neishabouri,¹ Seyed Alireza Rezaee²

Abstract

One of the most important developments in dispute resolution law is the emergence of online dispute resolution methods. There are ambiguities and legal issues regarding said methods due to their specific characteristics and occurrence in cyberspace. One of the challenges of these methods is how to enforce the results because the ordinary or traditional methods of enforcing final dispute resolution documents are not helpful in this field. Due to the high importance of the enforcement of final documents in the validity and acceptability of each dispute resolution method, the legal doctrine and e-commerce activists: predicted and implemented solutions about automatic enforcement of results of online dispute resolution methods without the need for the recourse to courts or other authorities. The present study has examined the strategies of automatic enforcement of ODR final documents in the following topics: "Monetary Enforcement Mechanisms", "Domain Name Resolution Enforcement Strategies", and "Automatic Enforcement Based on Blockchain Technology". The present article concludes that supporting and promoting online dispute resolution methods and strategies for automatic enforcement of ODR final documents is the most critical and fundamental step in reducing the workload of the courts and other legal authorities. At the same time, such a goal is not achievable without the legislature's support and the approval of the corresponding laws. In this regard, the Iranian Legislature is advised to draft and enact integrated and comprehensive rules in the area.

Keywords: Direct Enforcement of Results of Dispute Resolution, Smart Contracts, Domain Name Dispute Resolution Rules, Escrow Account, Chargeback

۱. Assistant Professor of Private Law Department, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author); maboudi@um.ac.ir

۲. PhD. Student of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir.